



اقتصاد بدون حسابداری

گفتگو با

آقای غلامرضا

سلامی

برای مجله حسابرس افتخار بزرگی است که با شما به عنوان نماینده تمام عیار حرفه حسابداری گفتگو و دیدگاه و اندیشه شما را به خوانندگان منتقل کند. سابقه درخشان فعالیت حرفه‌ای شما، خدمات ارزنده شما به حرفه، پایداری بی‌خدشه شما به اصول و ضوابط اخلاقی، به غنای فرهنگی حرفه حسابداری به صورت چشمگیر افزوده است. اطمینان داریم که خوانندگان حسابرس، به ویژه جوانان، مشتاق آشنایی بیشتر با دیدگاه و نظرات شما هستند. این شماره نشریه حسابرس به بحث اخلاق حرفه‌ای اختصاص دارد و گفتگو را از نظارت بر کار حسابداران رسمی شروع کنیم. چه سازوکاری برای نظارت بر کار حسابدار رسمی در راستای حفظ منافع عمومی وجود دارد؟ سازوکارهای موجود تا چه اندازه اثربخشی دارند؟ اگر سازوکارها اثربخش نیستند، چه دلایلی برای ناکارآمدی سازوکارها به نظر شما می‌رسد؟

سلامی

مهمترین نقش جامعه حسابداران رسمی طبق اساسنامه آن نظارت بر کار حسابداران رسمی شاغل و موسسات حسابرسی است و بیشترین هزینه جامعه نیز صرف انجام هر چه بهتر این وظیفه می‌گردد. کارگروه‌های مختلفی زیر نظر هیئت مدیره، عملکرد حسابداران رسمی شاغل و موسسات حسابرسی را زیر نظارت دارند و از این میان کارگروه کنترل کیفیت به صورت ادواری

می‌توانند به عنوان حسابدار رسمی انتخاب شوند.

علت دوم را می‌توان در ساختار موسسات حسابرسی در ایران جستجو کرد. متأسفانه بسیاری از موسسات موجود به صورت جزیره‌کار می‌کنند و هویت موسسه حسابرسی به معنای واقعی آن را ندارند.

علت سوم، در کمبود نیروهای واجد شرایط داوطلب مورد نیاز برای اشتغال در فرایند کنترل کیفیت کارهای حسابرسی و هیئت‌های انتظامی و هیئت نظارت است که با توجه به تعدد موسسات حسابرسی و جابجایی مداوم حسابداران رسمی در این موسسات، فرایند نظارت و کنترل کیفیت و در نتیجه برخورد مناسب با متخلفان را ناکارآمد ساخته است.

علت بعدی به رقابت ناسالم بین موسسات حسابرسی بر می‌گردد که باید جداگانه به آن بپردازیم.

سازمان

ارزیابی شما از جایگاه حرفه حسابداری ایران چیست؟ آیا حرفه حسابداری توانسته است جایگاه شایسته را پیدا کند؟ اگر نه، چه دلایلی برای آن می‌بینید؟

سلامی

حرفه حسابداری از نظر من متأسفانه نتوانسته جایگاه شایسته لازم را پیدا کند. علی‌رغم وجود ده‌ها هزار فارغ‌التحصیل رشته حسابداری در ایران با تأسف باید گفت که اکثریت این فارغ‌التحصیلان کیفیت لازم برای احراز عنوان حسابدار حرفه‌ای را ندارند و حتی در بیشتر موارد قابلیت نائل شدن به این عنوان را فاقد هستند که البته دلیل آن را باید در ضعف سیستم آموزش عالی و بی‌توجهی مسئولین ذیربط به جایگاه حسابداران حرفه‌ای و نقش آنها در ایجاد شفافیت، تصمیم‌سازی، سنجش عملکرد مدیران، و پیش‌گیری از فساد مالی و اقتصادی و مبارزه با آن جستجو کرد.

در کشورهای توسعه‌یافته و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کار تربیت حسابداران خبره به موسسات آموزش حرفه‌ای زیر نظر انجمن‌های حرفه‌ای معتبر واگذار شده است. در ایران اما متأسفانه حتی وزارت علوم و آموزش عالی و خود دولت و مجلس با آموزش‌های حرفه‌ای که در سراسر جهان ارایه می‌شود آشنایی چندانی ندارند، و به همین دلیل حتی یکی دو نهادی که در کار تربیت حسابداران حرفه‌ای فعال هستند مورد شناسایی

ساختار موسسات و پرونده‌های حسابرسی را کنترل کیفی می‌کند و براساس این کنترلها به کار حسابرسان امتیاز می‌دهد.

علاوه بر کارگروه‌ها، هیئت عالی نظارت نیز طبق مقررات جامعه به صورت موردی و حتی برنامه‌ریزی شده به عملکرد موسسات حسابدار رسمی نظارت می‌کند. دستگاه‌های نظارتی دیگر و مراجع قضایی نیز در صورت مواجهه با تخلف، آن را برای پیگیری از نظر تخلف حرفه‌ای به جامعه منعکس می‌سازند. تخلفات احراز شده توسط کارگروه‌های مختلف و هیئت عالی نظارت از طریق هیئت‌مدیره به هیئت بدوی انتظامی ارجاع و این هیئت با بررسی پرونده طبق مستندات و گزارش‌های دریافتی و با معیار قرار دادن آیین رفتار حرفه‌ای جامعه، طبق مقررات آیین‌نامه انضباطی مبادرت به صدور رای می‌کند که ممکن است از توبیخ تا لغو عضویت و عنوان حسابدار رسمی گسترده باشد.

البته اشخاص محکوم در هیئت بدوی انتظامی حق دارند تا برای فرجام‌خواهی از آرای صادره اعتراض خود را برای طرح در هیئت عالی انتظامی اعلام دارند. به هر حال، آرای صادره از هیئت عالی انتظامی قطعی است ولی در صورتی که مجازات بیش از یکسال لغو عضویت باشد در آن صورت رای برای تنفیذ وزیر امور اقتصادی و دارایی ارسال می‌شود.

سازوکار یادشده از دیدگاه فرایندی کامل است ولی آن چه که باعث شده سازوکارها اثربخشی لازم را نداشته باشد علل مختلفی است که به ذکر چند مورد آن می‌پردازم.

اولین علت را می‌توان در ضعف مقررات نظارتی و انضباطی دانست. اساسنامه جامعه و آیین‌نامه انضباطی و حتی خود آیین رفتار حرفه‌ای طی سالها که از تاسیس جامعه می‌گذرد در جهت تقویت سازوکار مقابله با تخلفات حسابداران رسمی و موسسات حسابرسی مورد بازنگری جدی قرار نگرفته است که البته این موضوع در دست بررسی ارکان جامعه می‌باشد. برای مثال یکی از مجازات‌های بازدارنده در ایران ممکن است جرائم مالی باشد به طوری که هزینه سنگین رسیدگی به تخلف اعضای متخلف به طور عمده به دوش خود آنها بار شود. ولی متأسفانه به دلیل نبود مقررات لازم، جامعه از این تنبیه موثر بی‌بهره است. مثال دیگر، وجود مقررات غیرمعقول در نحوه پذیرش حسابدار رسمی است که طبق آن متخصصان رشته‌های دیگر که در عمر خود حسابرسی حرفه‌ای به معنای واقعی آن انجام نداده‌اند،

از فروپاشی است که حتی هنوز هم در زمینه خدمات حسابرسی جایگاهی در بین کشورهای جهان ندارند.

در اساس، حسابرسی در کشورهای با اقتصاد باز رشد می‌کند زیرا در این کشورها موتور محرکه اقتصاد بنگاه‌های بزرگ و متوسط با مالکیت خصوصی هستند که اغلب به دلیل ابعاد بزرگ، دارای هزاران هزار سهامدار هستند و حتی در اکثر بنگاه‌های خانوادگی مدیریت از مالکیت جداست؛ لذا سازوکار اعتمادبخشی به عملکرد مدیریت از ارکان اصلی این نوع اقتصاد است. برعکس در کشورهایی مانند ایران که بخش مهمی از اقتصاد در اختیار دولت و بخش عمومی و بخش باقیمانده هم در اختیار صاحبان انحصار است، به‌طور عمده سازوکار اعتمادبخشی بر پایه ارتباطات درونی این نوع اقتصاد است. حتی بخش عمده‌ای از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس نیز به بخش خصوصی واقعی تعلق ندارد و بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که اقتصاد ایران بهره‌چندانی از حرفه حسابرسی ببرد. این ساختار معیوب همچنین باعث شده که اقتصاد کشور حتی از خدمات حرفه‌ای حسابرسان داخلی، حسابداران مدیریت، و مدیران مالی کارآمد بهره‌چندانی نبرد.

سازمان

وضعیت حسابداران جوان را در زمینه اخلاقی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آنان بیش از پیش‌بینیان خود نسبت به آیین رفتار حرفه‌ای احساس مسئولیت دارند؟

سلامی

نسل جوان حسابداران ایران مشروط بر آن‌که خوب تحصیل کرده باشند و حرفه حسابداری را جدی گرفته باشند می‌توانند از دانش بالاتری در زمینه استانداردهای حسابداری و حسابرسی و مسائل فنی و به‌خصوص کاربرد فناوری

دستگاه‌های مسنول قرار نگرفته‌اند و مدارک بین‌المللی حرفه‌ای مورد تایید آنها نیست.

نتیجه این‌که ما، هم در اداره امور حسابداری شرکت‌های بزرگ و هم در سطح موسسات حسابرسی، به‌ندرت از حسابدارانی با سابقه آموزش حرفه‌ای بهره‌برداری می‌کنیم.

حال تصور کنید یک فارغ‌التحصیل رشته حسابداری از یک موسسه آموزش عالی نه‌چندان معتبر، با سه‌سال سابقه کار حسابرسی و موفقیت در یک آزمون غیرکاربردی، می‌تواند عنوان حسابدار رسمی را کسب کند و با سه‌سال سابقه حسابرسی دیگر که غالباً نظارت‌شده نیستند، شریک موسسه حسابرسی شود.

موضوع در مورد حسابداران حرفه‌ای شاغل در کسب‌وکار به‌مراتب وخیم‌تر است و بسیاری از کسانی که در این مشاغل اشتغال دارند از کمترین شرایط احراز حسابداران رسمی نیز برخوردار نیستند.

در مورد جامعه حسابداران رسمی باید یادآوری کرد که طبق قانون، منشأ تاسیس و علت وجودی جامعه به‌طور عمده حفظ منافع عمومی بوده است؛ ولی از آن‌جا که جامعه حسابداران رسمی از حسابداران رسمی با مشخصاتی که بیان شد تشکیل شده است، لذا عملکرد آن‌را نمی‌توان خارج از عملکرد تک‌تک اعضا ارزیابی کرد.

سازمان

حسابرسی در ایران با چه چالشی روبروست؟ چرا در چنین چرخه‌ای قرار گرفته‌ایم؟

سلامی

اقتصاد ایران یک اقتصاد نفتی، رانتی و دولتی است. در این‌گونه اقتصاد، در اصل حسابرسی از جایگاهی که در کشورهای با اقتصاد رقابتی دارد، برخوردار نیست؛ نمونه آن کشور اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بلوک شرق قبل

در بسیاری از کشورها

کار تربیت

حسابداران خبره

به موسسات

آموزشی حرفه‌ای

زیر نظر

انجمنهای حرفه‌ای

معتبر

واگذار شده است

مورد حسابرسی قرار می‌گیرند.

هرچند طبق مقررات شرکتهای با دارایی و درآمد بالاتر از ارقام تعیین شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی ملزم هستند که از خدمات حسابرسی استفاده کنند، که رعایت آن ممکن است حسابرسی در کشور را متحول سازد، ولی متأسفانه به دلیل نبود ضمانت اجرایی موثر برای این بخش از اقتصاد، حسابرسی آنها بیشتر تشریفاتی است و برای رفع تکلیف قانونی صورت می‌گیرد و بنابراین صاحبکار علاقه‌مند است با کمترین هزینه این تکلیف قانونی نیم‌بند را انجام دهد.

نکته دیگر این‌که در اکثر کشورها بخش مهمی از درآمد موسسات حسابرسی از خدمات اطمینان‌بخشی غیر از حسابرسی صورتهای مالی، مانند ارزیابی شرکتهای، داوری مالی، حسابداری دادگاهی، و... تامین می‌شود، درحالی‌که در ایران موسسات حسابرسی به‌غلط به‌طور عمده از این نوع درآمدها محرومند و اگر هم بعضی از شرکای این موسسات که در عین حال کارشناس رسمی دادگستری هم هستند این نوع خدمات را ارائه می‌دهند، هیچ تناسبی بین وظیفه سنگینی که به‌عهده می‌گیرند و حق‌الزحمه آنها وجود ندارد، و نتیجه کار هم آن است که ملاحظه می‌کنیم. نبود تناسب بین کار حسابرسی و محرومیت موسسات حسابرسی از ارائه خدمات اطمینان‌بخشی دیگر و تعداد زیاد موسسات حسابرسی باعث شده تا رقابتی ناسالم به‌وجود آید.

از نظر من مهمترین دلیل تخلفات گسترده و بی‌اخلاقیهای حرفه‌ای در موسسات حسابرسی را می‌توان در سازوکار این رقابت ناسالم دانست که ابتدا منجر به نقض استقلال موسسات حسابرسی در بیشتر موارد می‌شود و بعد کیفیت کار حسابرسی را در اکثر پرونده‌ها پایین آورده است.

این رقابت ناسالم به‌گونه‌ای است که صدها کار حسابرسی با ارقامی کمتر از ده میلیون تومان انجام می‌شود و بسیاری از کارها نیز با کمتر از ۳۰ درصد حق‌الزحمه متعارف و نرخهای پذیرفته‌شده حسابرسی صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، وابستگی بعضی از موسسات حسابرسی به اندک کارهای بزرگ خود به‌حدی است که به‌طور حتم استقلال آنان را خدشه‌دار می‌سازد.

سپاس

به‌نظر می‌رسد توجه مراجع نظارت بر

نوین برخوردار باشند و در صورتی‌که در محیط مناسب توانسته باشند دانش خود را به‌کار گیرند در آن صورت از نسل قدیمی خود صلاحیت فنی بیشتری دارند. این امتیاز باعث می‌شود بازار کار مناسبی در اختیار داشته باشند و از آنجاکه اخلاق حرفه‌ای بسیار زیر تاثیر اوضاع مالی حسابداران است لذا این امیدواری وجود دارد چنان‌چه زمینه‌های لازم برای رشد حرفه حسابداری در کشور فراهم شود اخلاق حرفه‌ای در کشور از آینده بهتری برخوردار باشد. البته این امیدواری مشروط به تعالی اخلاق در جامعه به‌خصوص در محیط کسب‌وکار است که متأسفانه روندهای موجود این امیدواری را تقویت نمی‌کند. من خودم امیدوارم که چنان‌چه عزم جدی برای سالم‌سازی اقتصاد کشور وجود داشته باشد، همین نسل جوان حسابداران به‌عنوان اصلی‌ترین نیروها در جهت شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد در خدمت کشور عزیزمان باشند.

سپاس

بعضی بیشتر نارساییها را به حق‌الزحمه حسابرسان ربط می‌دهند. میزان حق‌الزحمه چه ارتباطی با مسائل اخلاقی و رفتاری و نقض آنها دارد؟ به‌نظر شما حق‌الزحمه مناسب تا چه اندازه بر حرفه و مسایل اخلاقی اثرگذار است؟

سلامی

این یک موضوع کلیدی است. کل حق‌الزحمه حسابرسی در سال گذشته در ایران حدود ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است (شامل سازمان حسابرسی). حال باتوجه به سوءاستفاده‌های مالی چند هزار میلیاردتومانی که در سالهای اخیر کشف شده، می‌توان به عمق فاجعه پی برد.

البته ناگفته پیداست که زبان بی‌توجهی به حرفه حسابداری محدود به وقوع سوءاستفاده‌های مالی خردوکلان نیست، بلکه نادیده‌انگاری نقش انکارناپذیر حسابداران حرفه‌ای در توسعه کشور، به سطح نازل کارایی و اثربخشی و بهره‌وری اقتصاد کشور نیز ارتباط دارد؛ و حتی تاثیر آن در فعالیتهای غیراقتصادی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و... بسیار زیان‌بخش تر بوده است.

عمده تمرکز حسابرسی در کشور بر روی شرکتهای دولتی و بخش عمومی و شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس است که تعداد آنها به‌هرحال محدود است، و بخش مهمی از آنها توسط سازمان حسابرسی و حسابرسیهای وابسته به بخش عمومی

طرف ارزیاب که بر قیمت سهام تاثیر خلاف واقع بگذارد ممکن است در فرایند رسیدگی انضباطی قرار گیرد. این موضوع در موارد ارائه گزارش به منظور مستندسازی اخذ تسهیلات از بانکها و ارائه گزارش برای تصمیم‌گیری در دادگاه‌ها نیز مصداق دارد.

از نظر من از بین سه گروه مشاغلی که در تمام دنیا نقش اساسی در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی دارند، یعنی قضات، روزنامه نگاران، و حسابداران حرفه‌ای، نقش گروه سوم از دو گروه دیگر بسیار اثربخش‌تر است، زیرا به‌طور معمول قضات و روزنامه‌نگاران احاطه کافی بر مسائل مالی و اقتصادی فضای کسب‌وکار و اطلاعات موجود در محیط مورد نظر ندارند، ولی حسابداران حرفه‌ای به‌تبع تخصص و مهارت خود در کشف واقعیت می‌توانند اطلاعات درخور اعتمادی در اختیار قاضی قرار دهند که منجر به صدور رای عادلانه در آن مورد بشود.

یکی از موارد بی‌توجهی حکومت به حرفه حسابداری از همین جا مشخص می‌شود که تصمیمی غیرکارشناسانه، شمول خدمات اطمینان‌بخشی موسسات حسابرسی را محدود به ارائه گزارش حسابرسی نسبت به صورتهای مالی کرد، و آن بخش از خدمات اطمینان‌بخشی که در چارچوب وظایف و توانایی و قابلیت موسسات حسابرسی است را از دامنه خدمات آنها خارج ساخت و متأسفانه جامعه حسابداران رسمی نیز تلاش در خور توجهی در رفع این سوءتفاهم نکرد.

سازمان

از شما بسیار سپاسگزاریم. آرزو داریم حرفه حسابداری و حسابرسی کشور با بهره‌جویی از دانش و تجربه شما بر مشکلات غلبه کند و گامهای موثر بیشتری بردارد.



حسابداران حرفه‌ای تنها به موضوع رفتار حرفه‌ای در محدوده خدمات حسابرسی صورتهای مالی است. در جهان، خدمات اطمینان‌بخشی غیر از حسابرسی و رسیدگی اجمالی، و همچنین خدمات غیر اطمینان‌بخشی، قسمت مهمی از دامنه خدمات حسابداران حرفه‌ای در جامعه است؟
سلامی

این موضوع یکی از ابهامات جدی در جامعه حسابداران رسمی است. بعضی از همکاران اعتقاد دارند که مقررات انضباطی جامعه تنها باید معطوف به خدمات حسابرسی آنهاست؛ در مقابل عده دیگر معتقدند نظارت و مقررات انضباطی جامعه شامل کلیه خدمات اطمینان‌بخشی می‌شود. البته در مورد خدمات غیر اطمینان‌بخشی تقریباً این اجماع وجود دارد که نظارت و مقررات انضباطی شامل حال این گروه از خدمات نیست، هرچند که رفتار خلاف شئون حرفه‌ای در هر زمینه‌ای که آیین رفتار حرفه‌ای مشخص کرده است مشمول مقررات انضباطی جامعه می‌باشد.

از آن‌جاکه خود را جزو آن گروه از حسابداران می‌دانم که اعتقاد دارند خدمات اطمینان‌بخشی از هر نوع شامل نظارت و مقررات انضباطی جامعه می‌باشد. لذا به‌دلیل مسئولیتی که برعهده دارم این موضوع در جلسه‌ای که با مسئولان ارکان جامعه برگزار شد، مطرح گردید و به‌اتفاق آرا تایید شد. بنابراین اگر وظیفه ارزیابی سهام یک شرکت به یک موسسه حسابرسی محول شده باشد، به‌خصوص در مواردی که منافع عمومی مطرح است، در این صورت هر اظهارنظری از

اقتصاد ایران

یک اقتصاد نفتی

رانتی و دولتی است

در این‌گونه اقتصاد

حسابرسی

جایگاهی ندارد